

روش‌های مبارزاتی امام سجاد (ع) در مواجهه با پدیده جعل حدیث

[تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۲]

* محمد مولوی

** اکرم جعفری سروجانی

چکیده

جعل و وضع حدیث از آسیب‌هایی است که در سده اول، به‌ویژه دوران امامت امام چهارم واقع شد. پژوهش پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای نشان می‌دهد که دشمنی آشکار معاویه و خلفای اموی با اهل بیت (ع)، تشویق عالمان درباری به جعل حدیث، مشروعیت‌بخشی به عقاید فرق کلامی، جعل حدیث برای گرفتن صلّه از خلفا و حدیث‌سازی غالیان و قصاص از جمله علل شیوع جعل حدیث بود. امامان معصوم (ع) و پیروان آنها نیز ضمن مبارزه با این پدیده درصدد پاک‌سازی دین از کژی‌ها بودند. امام سجاد (ع) نیز به طرق مختلف با این پدیده شوم دینی-اجتماعی مبارزه کردند که مهم‌ترین آنها عبارت است از: شناساندن احادیث جعلی، شناساندن شخصیت واقعی رسول خدا (ص) و احیای سنت او، مقابله با انحرافات اعتقادی ناشی از روایات جعلی، افشای ماهیت عالمان درباری و جعلیات آنان.

کلیدواژه‌ها: امام سجاد (ع)، جعل حدیث، سیره، بنی‌امیه.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین molavi@isr.ikiu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (نویسنده مسئول)؛ مقاله مستخرج از پایان‌نامه است. jafaria615@gmail.com

طرح مسئله

حدیث، پس از قرآن، به عنوان مهم‌ترین منبع دریافت معارف دینی از زمان پیامبر اکرم (ص) محل توجه دانشمندان و عالمان دینی بوده است. همین مسئله موجب شده برخی از این جایگاه رفیع حدیث سوءاستفاده کنند و به انگیزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، فرقه‌ای و ... درصدد جعل و وضع حدیث برآیند و قول فعل یا تقریری به دروغ به معصوم نسبت دهند. جاعلان در حوزه‌های مختلفی، احادیث بسیار بر ساخته و در میان روایات پراکنده‌اند. مطابق نظر مشهور، آغاز جعل حدیث به دوران پیامبر اکرم (ص) برمی‌گردد و در زمان معاویه به اوج گسترش خود می‌رسد (ابن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۸/۲، ابوریه، ۱۹۸۰: ۶۶؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۱۱۵/۸).

از طرف دیگر، به دلیل گستردگی مکانی و زمانی دوران حکومت معاویه و دشمنی آشکار وی و عمالش با اهل بیت (ع) و شیعیان، و همچنین تشویق برخی از عالمان درباری به جعل حدیث بر ضد علویون و به نفع خلفا و هیئت حاکم روایات ساختگی فراوانی در میان احادیث پراکنده شده بود. پیشوایان معصوم (ع) از جمله امام سجاد (ع) در مقابله با پدیده جعل و مواجهه با جاعلان از شیوه‌های مختلف استفاده می‌کردند. برخی از این روش‌ها عبارت‌اند از: «اصلاح عقاید منحرفان»، «تفسیر و تبیین معارف والای قرآن و ترویج فرهنگ قرآنی»، «احیای سنت رسول خدا و دفاع جدی از حریم دین و سنت نبوی»، «ارشاد و هدایت امت در همه ابعاد زندگی»، «نشر احکام و بیان حقوق آحاد جامعه»، «برابردانستن عرب و غیر آن»، «تداوم بخشی و تفسیر درست حادثه عاشورا و جلوگیری از تحریف آن»، «بیان معیارهای صحیح اخلاقی و مبارزه با فساد اخلاقی»، «مبارزه با قصاص»، «نظارت بر اندیشمندان و فقهای جامعه اسلامی و هدایت آنها»، «رفع شبهات اعتقادی، اجتماعی و اخلاقی». امام سجاد (ع) با مشکلات و واقعیت‌هایی روبه‌رو شد که می‌بایست با خط مشی صحیح، از یک سو حماسه حسینی و پیام عاشورا را در میان مردم زنده نگه دارد و نقشه‌های شوم تحریف‌کنندگان را خنثا کند و از سوی دیگر، اندیشه علوی و شیعی را که دچار آسیب شده بود ترمیم کند و مبانی اسلام و تشیع و تفکر ناب محمدی (ص) و علوی (ع) را استحکام بخشد و تبیین کند. از طرفی درباره روش‌ها و راهکارهای مبارزاتی امام سجاد (ع) با این پدیده تاکنون هیچ تحقیقی انجام نشده است. لذا این پژوهش در پی آن است تا با روش

توصیفی تحلیلی و بررسی کتاب‌خانه‌ای در منابع دست اول و معتبر، راهکارهای امام سجاد (ع) در مواجهه با جعل حدیث و پیامدهای آن را بررسی کند. راجع به زندگی امام سجاد (ع) و سیره ایشان کم و بیش در کتب تاریخ و سیره بحث شده است. همچنین، در تکی‌نگاری‌هایی با محوریت امام سجاد (ع) در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه، محققان مطالبی نگاشته‌اند^۱ ولی بررسی آنها نشان می‌دهد هیچ یک به مسئله این پژوهش، به طور ویژه، نپرداخته‌اند.

۱. شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوران امام سجاد (ع)

برای تجزیه و تحلیل مواضع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر یک از امامان (ع)، شناخت و آگاهی از وضعیت و مقتضیات عصر آنان ضروری است؛ چه اینکه بدون این شناخت، تجزیه و تحلیل مواضع و خط مشی آنها، نمی‌تواند بایسته و مطابق با واقع باشد (حیدری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۸۴). جهان اسلام در عصر امامت حضرت سجاد (ع) یکی از دوران‌های بسیار اسفبار خود را سپری می‌کرد. از نظر نظام سیاسی حاکم، بخش وسیعی از قلمرو اسلامی تحت حاکمیت و سیطره دودمان اموی قرار داشت که در ضدیت با ارزش‌های بنیادین اسلامی و انهدام و نابودی تعالیم نبوی برای خود هیچ حد و مرزی نمی‌شناختند و برای مشروعیت‌بخشی به کارهای خود به جعل حدیث دست می‌زدند (جعفری، ۱۳۸۶: ۹۸). از سوی دیگر، به دنبال مصائب سنگین تحمیل شده بر جامعه شیعه و ناممکن بودن حضور مؤثر و فعال رهبری معصوم در میان آنان به سبب جوّ خفقانی شدید و نشر و گسترش روایات جعلی، انحرافات عقیدتی و فکری متعددی در جامعه شیعه پیدا شده بود. برخی از آنها عبارت‌اند از: پیدایش «فرقه کیسانیه» که به داعیه امامت و مهدویت «محمد بن حنیفه» خط خود را از امامت حضرت سجاد (ع) جدا کردند. علاوه بر این، پیدایش اندیشه‌هایی انحرافی همچون غلو،^۲ «جبر»،^۳ «تشبیه و تجسیم»،^۴ «ارجاء»^۵ و ... که ناشی از پدیده جعل حدیث یا تحریف در روایات بودند و از ناحیه حکومت اموی نیز پشتیبانی می‌شدند در دوران امام سجاد (ع) رو به گسترش نهاده بود (مسعودی، ۱۳۷۳: ۸۵/۳).

از دیگر خصوصیات دوران امام سجاد (ع) این بود که خلفای معاصر امام (ع) و سردمداران حکومت، آشکارا قداست تعالیم اسلامی را ضایع کرده و به کسی هم اجازه

اعتراض نمی دادند. کشتار بی رحمانه مسلمانان به دست حجاج و دیگر والیان گواهی بر این سخن است (ابن اثیر، ۱۴۱۴: ۵۲۲/۴). از نظر فرهنگی نیز، جامعه از ارزش های دینی فاصله گرفته بود. برای نمونه در جامعه ای که روزگاری جهاد و شهادت و علم و تقوا در آن ارزش محسوب می شد، امروز آوازه خوان ها ارزش پیدا کرده بودند، چنان که به هنگام ورود یکی از آوازه خوان های مشهور زن به مکه، آنچنان از او استقبال شد که در خصوص هیچ مفتی، فقیه و محدثی سابقه نداشت (صادقی و تقوی، ۱۳۸۱: ۱۴، به نقل از: اصفهانی، ۱۳۷۸: ۲۲۵/۸).

امام (ع) در چنین اوضاع و احوالی به مبارزه با انحرافات، به ویژه پدیده جعل حدیث، پرداخت. احادیث ساختگی ابزاری برای توجیه کارهای حکمرانان اموی بود. در این دوران، جاعلان حدیث و دروغ پردازان و حتی تازه مسلمانان از اهل کتاب به عنوان معلمان و هادیان امت به حساب می آمدند و حاکمان از آنان حمایت، و آنها را از مال بسیار برخوردار می کردند. البته این مساعدت ها و پشتیبانی ها به چند منظور صورت می گرفت:

۱. این افراد با روش های گوناگون از قبیل نشر اکاذیب و سخنان بی پایه در قالب احادیث نبوی (ص) حکومت را حمایت، و از این طریق به آنان خدمت می کردند. زیرا روایات پیامبر اکرم (ص) در چشم مردم تقدس خاصی داشت و در وجودشان رسوخ می کرد. لذا از حربه دینی علیه دین بهره می بردند.

۲. حکومت دریافته بود که می تواند از این افراد به عنوان جایگزین اهل بیت (ع) استفاده، و خلأ روحی و عقیدتی و تشریعی ناشی از به عزلت کشیدن آنان را به نحوی جبران کند.

۳. مهم تر از همه اینکه یکی از اصول سیاست اموی، دور نگه داشتن مردم از اسلام صحیح و حقیقی بود، و می کوشیدند پوشش کاملی بر سنت و سیره پیامبر (ص) و حتی بر سیره اصحاب ایشان بیندازند و چهره حقیقت را مشوش کنند. همین سیاست به طور قاطع و مستمر راجع به سیره و تعالیم امام علی و اهل بیت (ع) نیز اعمال می شد تا در حد امکان اذهان مردم را درباره آنان شبهه ناک کند و روش و تعالیم ایشان را به کلی وارونه جلوه دهد (معروف الحسینی، ۱۳۸۹: ۷۴).

با توجه به آنچه گذشت، روشن می‌شود که فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که امام سجاد (ع) در آن می‌زیست فضایی کاملاً تیره و تاریک بود و نابسامانی و ناهنجاری علیه دین و مخصوصاً علیه خاندان رسالت فراوان شده بود. از این‌رو، بسیاری از مخالفان اهل بیت (ع)، هیئت حاکم و خلفای اموی از این فرصت بهره گرفتند و از روش‌های گوناگون برای تضعیف جامعه شیعی استفاده می‌کردند. یکی از این روش‌ها، جعل حدیث بود. امام سجاد (ع) نیز به‌ناچار باید با این پدیده شوم مبارزه می‌کرد؛ مسئله‌ای که در این پژوهش بررسی شده است.

۲. پدیده جعل حدیث و تأثیر آن در فرهنگ اسلامی

جعل یعنی ساختن چیزی از روی قصد برخلاف واقع مانند جعل اسناد (جوهری، ۱۴۱۰: ۱۲۹۹/۳). حدیث جعلی یا موضوع، حدیثی را گویند که به‌دروغ به معصوم (ع) نسبت داده شده باشد. ساختگی بودن حدیث گاه با اقرار جعل‌کننده آن و گاه از قرائن و شواهد معلوم می‌شود (بستانی، ۱۳۸۶: ۱۳). پدیده جعل حدیث آثار مخربی در متون دینی ایجاد می‌کند، از جمله: دشواری دستیابی به احادیث صحیح، نفی احادیث صحیح به بهانه جعل‌زدایی، شکل‌گیری جریان‌های فکری مختلف، محرومیت مردم از اهل بیت (ع)، و در نهایت مخدوش کردن چهره اسلام ناب محمدی (معارف، ۱۳۷۷: ۹۸). امام باقر (ع) فرمود: «برخی علیه ما سخنان دروغ می‌سازند تا از این طریق نسبت به ما تنفر و کینه در دل‌ها ایجاد کنند» (کشی، ۱۳۶۳: ۴۹۱/۲). در چنین وضعیتی، تغییرات، جابه‌جایی و بدعت‌هایی در دین انجام شد. فساد و هرزگی، عیاشی و افسارگسیختگی، نتیجه چنین فضایی بود که البته به یزید و دربار شام اختصاص نداشت، و در همه جای حکومت و حتی میان مردم عادی رواج یافته بود (مسعودی، ۱۳۷۳: ۶۷/۳). ابوالفرج اصفهانی در *الأغانی* می‌نویسد: «مجالس لهو و لعب و رقص و آواز به طور گروهی و مختلط تشکیل می‌شد در حالی که میان زنان و مردان مانعی نبود» (اصفهانی، ۱۴۱۵: ۲۳۵/۸).

جاعلان حدیث با انگیزه‌های متفاوتی به این کار دست می‌زدند. مشروعیت‌بخشی به دیدگاه‌های فرقه‌ای و مذهبی و استوارسازی آن، انگیزه خدمت یا تحصیل‌خشنودی خداوند و کسب پاداش آخری، حسادت به مقام والای ائمه (ع) و تلاش در جهت بزرگ‌داشت مخالفان آنان، خیانت به دین اسلام و مخصوصاً آموزه‌های علوی، جهل و

نادانی، حفظ منافع مادی و حفظ جایگاه نزد حاکمان و قدرتمندان، غلو در باره برخی شخصیت‌ها و محبت افراطی به آنها و بسیاری عوامل دیگر از جمله برخی از این انگیزه‌ها است (جوشقانی، ۱۳۸۹: ۲۷).

جاءلان حدیث در همه طیف‌های مسلمانان از جمله سیاسیون، غالیان، قصه‌پردازان، طرفداران فرقه‌ها و نحله‌ها، عالمان درباری و زندیقان یافت می‌شدند. گستره جعل حدیث نیز شامل بسیاری از حوزه‌های دین مانند اعتقادات، احکام عملی، فضایل و رذایل، اسباب نزول آیات قرآن، تأیید یا تکذیب برخی فرقه‌ها و افراد و مانند آن است (مسعودی، ۱۳۷۳: ۱۱۹).

۳. روش‌های مبارزاتی امام سجاد (ع) در مواجهه با جعل حدیث

امام سجاد (ع) در راستای هدف بزرگ الهی خود، که هدایت و رهبری جامعه اسلامی است، در مواجهه با انحراف جعل حدیث، ساکت نشست و با توجه به اوضاع و احوال و فضای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه، علیه این انحرافات مبارزه کرد. برخی از مهم‌ترین فعالیت‌های امام (ع) در این باره در ادامه می‌آید.

۳. ۱. شناساندن اسلام راستین در پرتو آشکارسازی جعلیات

راه یافتن روایات جعلی پس از پیامبر اکرم (ص) در میان منابع اسلامی اعم از کتب تاریخی، حدیثی و تفسیری چهره اصیل اسلام را، هم در حوزه اعتقادی و هم در حوزه احکام عملی، مشوش و مخدوش کرد (مهدوی‌راد، ۱۳۸۶: ۲۸). در نتیجه نشر و گسترش روایات موضوع، اسلام اموی جایگزین اسلام ناب محمدی می‌شود. تبلیغات واعظان و سخنرانان دربار سلاطین و همچنین قُصاص (قصه‌گویان) می‌تواند تأثیر بسیاری در تغییر اندیشه مردم داشته باشد، به گونه‌ای که معروف را منکر و منکر را معروف کند. در نتیجه نشر و گسترش همین روایات، امام علی (ع) به عنوان ملحد و مستحق سب و لعن می‌شود، و معاویه با عنوان «کاتب وحی» معرفی می‌گردد. خلفای اموی نیز نه تنها از این مسئله استقبال می‌کردند بلکه برخی عناصر سست‌ایمان و عالمان درباری را برای جعل و وضع حدیث به نفع حکومت تشویق و حمایت می‌کردند و خودشان هم از این موقعیت سوءاستفاده می‌کردند. در نتیجه توجه به همین روایات بود که خلفای معاصر

امام سجاد (ع) و والیان و سردمداران حکومت آشکارا قداست تعالیم اسلامی را در هم شکستند و پا بر روی تمام اصول مسلم اسلام گذاشتند، بدون آنکه از کسی بیم داشته باشند یا کسی جرئت اعتراض داشته باشد (سیوطی، ۱۳۷۰: ۲۱۸).

تأثیر جعلیات و موضوعات در وارونه‌کردن اسلام در حوزه احکام عملی نیز چنان بود که عموم مردم و حتی برخی از هاشمیین در زمان امام سجاد (ع) روش انجام‌دادن بسیاری از احکام عملی دین مانند کیفیت به جای آوردن نماز، حج و بسیاری احکام دیگر را نمی‌دانستند (کاظمی تستری، ۱۳۸۳: ۶۷). انس بن مالک، صحابی رسول خدا (ص)، در این باره معتقد است احکامی که در زمان رسول خدا (ص) انجام می‌شد به فراموشی سپرده شده است. در همین باره محمد بن مسلم بن شهاب زهري از مالک بن انس نقل کرده که از مجموع آنچه از رسول خدا (ص) درباره احکام دین فرا گرفتیم، فقط فریضه نماز باقی مانده است که آن هم ضایع شده و در آن بدعت‌هایی ایجاد شده است (امین، ۱۴۲۵: ۳۸۶/۱). از حسن بصری نقل شده که اگر پیامبر اکرم (ص) برگردد از میان آنچه به شما تعلیم داده است، جز قبله را نمی‌شناسد (ابن‌عبدالبر، ۱۴۲۴: ۲۴۴/۲). وارونه جلوه‌دادن دین و ناآگاهی از معارف و احکام به گونه‌ای بود که حتی عمر بن عبدالعزیز، والی مدینه، وقوف در منا در عید قربان را غلط انجام داد (حسنی، ۱۳۸۰: ۳۶).

در چنین فضایی، امام (ع) از روش‌های گوناگون برای شناساندن اسلام واقعی و تبیین معارف حقیقی اسلام و زنده نگه‌داشتن مشعل معنویت بهره می‌برد. بهره‌گیری از سلاح دعا برای این کار از مهم‌ترین این روش‌ها بود، به گونه‌ای که امروزه یکی از منابع غنی معارف اسلامی در حوزه‌های اعتقادی و اخلاقی را دعاها، مناجات‌ها و عبادت‌های آن حضرت تشکیل می‌دهد (شهیدی، ۱۳۶۸: ۷). از دیگر روش‌های تبلیغی امام (ع) برای شناساندن اسلام حقیقی و زدودن جعلیات از چهره دین، بهره‌گیری از ایام حج بود. امام (ع) از این فرصت استثنایی استفاده می‌کردند و در مسجدالحرام توقف داشتند و به پرسش‌های مردم پاسخ می‌دادند و به تبلیغ و ترویج معارف دین می‌پرداختند. امام سجاد (ع) در پاسخ به پرسش‌های اعتقادی و فقهی نوعاً کلام خود را به روایاتی از پیامبر اکرم (ص) یا کتاب امام علی (ع) مستند می‌کردند. برای نمونه درباره «حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» وقتی عده‌ای اعتراض کردند امام (ع) فرمودند: «پیامبر (ص) این‌گونه اذان می‌گفت» (نوری، ۱۳۶۹: ۵۸/۴).

۳.۲. شناساندن شخصیت واقعی رسول خدا (ص) و احیای سنت او

صحابه و تابعین که کم و بیش با خلق و خوی بزرگ‌منشانه پیامبر (ص) آشنا بودند از جانشینان او نیز چنین انتظاری داشتند، در حالی که زندگی سراسر فسق و فجور خلفا و والیان شهرها، با جانشینی پیامبر، تناقض تام داشت. این تناقض، لطمه بزرگی به کیان حکومتشان وارد می‌کرد. پس لازم بود برخی از کارهای خود را با استناد به روایت توجیه کنند و مشروع جلوه دهند (عسکری، ۱۳۶۵: ۳۷۲/۱)، و از این طریق، هم نارضایتی‌های اجتماعی کاهش پیدا کند، هم راه رسیدن به اهداف و اعمال قدرت در مسائل مختلف هموار گردد. در نتیجه به جعل حدیث و تخریب شخصیت حقیقی پیامبر (ص) پرداختند.

از این‌رو وجود روایات جعلی فراوان، که شخصیت ایشان را وارونه نشان می‌داد و حتی محتوای برخی از این احادیث با شأن و جایگاه پیامبر (ص) ناسازگار بود، در میان مردم رو به گسترش نهاده بود. برای نمونه، مطابق برخی روایات جعلی، اگر پیامبر اکرم (ص) فردی را لعن کند لعن پیامبر (ص) موجب تزکیه شخص ملعون می‌شود (همان: ۱۷۳/۱). در روایتی دیگر، لعن پیامبر (ص) بر افرادی مثل معاویه و سایر بنی‌امیه و دیگر بزرگان قریش که بعدها سالیان متوالی زمامدار مسلمانان می‌شوند، فقط به دلیل نزدیکی ایشان به خداوند بوده و باعث پاکی و کفاره گناهانشان محسوب می‌شود (همان). برای مثال، درباره معاویه روایتی به پیامبر نسبت داده‌اند که مطابق آن روایت روزی رسول خدا (ص) با دست خود تیری به معاویه داد و فرمود: «این را بگیر که در بهشت به وسیله آن به ملاقاتم بیایی» (خطیب بغدادی، ۱۳۸۵: ۲۵۹/۱). همچنین، از ابوهریره نقل کرده‌اند که: «از رسول خدا (ص) شنیدم که گفت: خداوند سه کس را امین وحی خویش گردانیده است؛ من، جبرئیل و معاویه» (ابن‌عساکر، ۱۴۱۹: ۱۱۰/۱). همین گونه است روایاتی که دلالت می‌کند بر نفوذ شیطان در وجود پیامبر اکرم (ص) و وحی الاهی و القای آیات شیطانی به ایشان (ابن‌سعد، ۱۳۸۸: ۲۰۵/۱). نتیجه گسترش و نشر چنین روایاتی سست‌شدن مردم نسبت به سنت رسول اکرم (ص) و مقدسات دینی و به‌ویژه بی‌اعتمادی به شخصیت رسول اکرم (ص) است.

در اینجا امام (ع) وظیفه خود می‌دانست محتوای شوم روایات جعلی را بر ملا، و شخصیت پیامبر اکرم (ص) را معرفی حقیقی کند. از این‌رو، بخش‌هایی از ادعیه

امام (ع) به شناساندن مقام و شخصیت رسول اکرم (ص) اختصاص دارد. صلوات دادن بر محمد و آل محمد که ترجیع‌بند بسیاری از ادعیه حضرت است، تلاشی است برای مبارزه با پدیده جعل حدیث. همچنین، صلوات دادن بر خاندان پیامبر که پس از صلوات و درود بر خود پیامبر آمده است نوعی آموزش و مواجهه با سیاست لعن بر علی بن ابی طالب (ع) نیز بود (رنجبر، ۱۳۸۶: ۴۹). در بسیاری از اینها، پس از صلوات، امام (ع) جایگاه پیامبر اکرم (ص) و خاندان رسالت و اهل بیت (ع) را معرفی می‌کند. برای نمونه امام سجاد (ع) در دعای ۴۸ صحیفه درباره شأن و جایگاه پیامبر اکرم (ص) چنین می‌گوید:

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا أَمِينًا عَلَى وَحْيِكَ، وَنَجِيًّا مِنْ خَلْقِكَ، وَصَفِيًّا مِنْ عِبَادِكَ، إِمَامًا رَحْمَةً، وَقَائِدًا خَيْرٍ، وَمِفْتَاحَ الْبَرَكَةِ، كَمَا نَصَبَ لَأَمْرِكَ نَفْسَهُ، وَعَرَضَ فَيْكَ لِلْمَكْرُوهِ بَدَنَهُ، وَكَاشَفَ فِي الدُّعَاءِ إِلَيْكَ حَامَتَهُ ... وَهَاجَرَ إِلَى بِلَادِ الْغُرْبَةِ، وَمَحَلَّ النَّأْيِ عَنْ مَوْطِنِ رَحْلِهِ، وَمَوْضِعَ رَجْلِهِ، وَمَسْقَطَ رَأْسِهِ، وَمَأْنَسَ نَفْسِهِ، إِرَادَةً مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِينِكَ، وَاسْتَنْصَارًا عَلَى أَهْلِ الْكُفْرِ بِكَ ... اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ بِمَا كَدَحَ فَيْكَ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ؛ پروردگارا، بر محمد امین وحی تو و بهترین از میان خلق تو و برگزیده از میان بندگان درود فرست. او که پیشوای رحمت و پیشاهنگ نیکی و کلید برکت است. همچنان که او نفس خود را برای اجرای فرمانت به کار گرفت و بدنش را آماج حوادث ناگوار در راه تو قرار داد و در راه دعوت به سوی تو با خویشان خود آشکارا به ستیز برخاست ... به شهرهای غربت و دور از وطن و قدمگاه و محل تولد و مأنوس‌ترین جایش هجرت کرد، و هدفش از هجرت، عزت بخشیدن به دین تو و یاری جستن علیه اهل کفر به تو بود ... خداوند! پس او را به پاس رنج‌هایی که در راه تو برد، به بالاترین درجه بهشت خود بالا بر (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۵: ۳۶۰).

علاوه بر تبیین شأن و جایگاه رسول اکرم (ص)، در چنین دورانی امام سجاد (ع) به احیای سنت از دست رفته پیغمبر (ص) پرداخت. ایشان با آشکارکردن هویت و چهره واقعی بدعت‌های بنی‌امیه و سنت‌های آنان، که عموماً ناشی از احادیث مجعول و ساختگی طرفداران و عمال بنی‌امیه بود و در میان مردم پراکنده شده بودند، می‌کوشید با معرفی سنت صحیح نبوی، فرهنگ حقیقی اسلام را از ورطه نابودی نجات بخشد و

موجب احیای سنت پیامبر اکرم (ص) شود. یکی دیگر از راه‌های احیای سنت نبوی از طریق آموزش سنت حقیقی رسول اکرم (ص) به بردگان و تربیت آنان به آداب اسلامی و در نهایت آزادکردن آنان بود. ایشان بردگان را فرزند می‌نامید و آنان را با تعبیر «یا بُنی» صدا می‌زد (اربلی، ۱۳۸۱: ۸۵/۳؛ جعفریان، ۱۳۶۹: ۳۸۷).

یادآوری این نکته ضروری است که با توجه به اینکه بسیاری از بردگان از سرزمین‌های دور آورده می‌شدند، آموزش‌های امام سجاد (ع)، که در حقیقت معارف ناب و حقیقی اسلام و سنت نبوی بود، در دیگر سرزمین‌های اسلامی نیز پخش و منتشر می‌شد. این مسئله می‌تواند جلوه دیگری از مقابله امام (ع) با احادیث مجعول و خنثاسازی نتایج سوء آن در جامعه باشد. این رفتار امام سجاد (ع) در آشناکردن مردم با سنت صحیح اسلامی و از بین بردن نقش مخرب روایات جعلی تأثیر چشمگیری داشته است (مسعودی، ۱۳۷۳: ۲۰۴؛ سیحانی، ۱۳۸۰: ۸۸/۱).

بعضی از همین آزادشدگان که در مکتب امام سجاد (ع) تربیت شده بودند، به محدثانی برجسته و پرتلاش تبدیل شدند، که از آن جمله می‌توان از شخصیت‌های بزرگی چون «حسن بن سعید اهوازی»، «حسین بن سعید اهوازی»، «احمد بن حسین بن سعید» و «شعیب» یاد کرد که همه از موالی و آزادشدگان امام سجاد (ع) هستند (طوسی، ۱۳۸۲: ۸۲۷/۲). شیخ طوسی نیز راوی معروف، «علی بن یحیی بن حسن» را از همین افراد شمرده است (همو، ۱۳۴۸: ۳۸۲). همین راویان بعدها خود در گسترش معارف شیعی و نشر سنت نبوی و مقابله با پدیده جعل حدیث نقش بسزایی داشتند.

۳.۳. تبیین جایگاه و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه

یکی دیگر از انحرافات که در عصر امام سجاد (ع) به دلیل انتشار احادیث جعلی گریبان‌گیر جامعه شده بود ممنوع‌بودن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه یا تبدیل معروف به منکر و برعکس بود (سیوطی، ۱۳۷۰: ۲۴۶). برای نمونه در روایتی که به پیامبر نسبت داده شده آمده است که هر گاه دیدید معاویه بر منبرم سخن می‌گوید، سخن او را پذیرا شوید و تصدیق کنید. زیرا وی درستکار و درخور اطمینان و معتمد است (خطیب بغدادی، ۱۳۸۵: ۲۵۹/۱). بر اساس این روایت، سخنان معاویه باید بدون چون و چرا پذیرفته شود و کسی حق ندارد او را امر و نهی کند.

امام سجاد (ع) نیز از یک طرف به عنوان امام و هادی امت، خود را مسئول و پاسبان اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در تمام ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی در جامعه و ... می‌داند؛ از سوی دیگر، به عنوان یک عضو و شهروند در جامعه اسلامی این مسئولیت را عهده‌دار بود. از این رو، در سیره و سخن آن حضرت بارها از این مسئولیت در تمام ابعاد و حوزه‌های پیش‌گفته سخن به میان آمده است. از نظر امام (ع)، تارک امر به معروف و نهی از منکر مانند کسی است که کتاب خدا را پشت سر انداخته است: «الَّتَارِكُ لِلْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ كَنَابِذِ كِتَابِ اللَّهِ وَرَاءَ ظَهْرِهِ» (شریف قریشی، ۱۳۸۷: ۳۴۴؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۳۷۸: ۱۴۰/۳). همچنین، از نظر امام (ع)، ترک امر به معروف و نهی از منکر از گناهانی است که موجب نزول بلا در جامعه می‌شود: «الذُّنُوبُ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ تَضْيِيعُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ» (صدوق، ۱۳۷۷: ۱۳۶).

بسیاری از منکراتی چون غلو، جبرگرایی، اندیشه تشبیه و تجسیم، زاهدنمایی، روحیه رفاه‌طلبی و نیازدگی، نفرت از اهل بیت (ع)، ثروت‌اندوزی، بی‌عدالتی، تبعیض، و ده‌ها منکر دیگر در اثر پدیده نامیمون جعل حدیث در عصر امام (ع) شیوع پیدا کرده بود. امام (ع) در چنین فضایی، که حکومت اموی رسماً امر به معروف و نهی از منکر را ممنوع اعلام کرده بود، به هدایت و ارشاد امت مشغول بود و با عرضه‌کردن تفسیر صحیح قرآن و تبیین سنت نبوی به روشنگری مردم در همه زمینه‌های اصول اعتقادی و احکام عملی می‌پرداخت (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۱/۱).

امام (ع) در عمل و رفتار، چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی، به این اصل حیاتی عمل می‌کرد. لذا یکی از اصحاب را چنین نهی فرمود:

برای تو شایسته نیست با هر کسی نشست و برخاست کنی. زیرا خدای تعالی می‌فرماید: «وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يَنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»؛ «چون کسانی را می‌بینی که درباره آیات ما به عناد گفت و گو می‌کنند، پس از ایشان روی بگردان تا اینکه درباره مطلب دیگری سخن بگویند و اگر شیطان از خاطر تو برد، بعد از آنکه به خاطر آمد، با گروه ستمگران ننشین» (بحرانی، ۱۳۸۹: ۳۲۲/۱).

۳. ۴. تربیت شاگردان و نخبگان و شرکت آنان در مناظرات علمی و کلامی برای شناساندن اسلام راستین

یکی از راه‌های مبارزه با پدیده جعل حدیث، که امام سجاد (ع) با توجه به اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی دوران خود برگزید، تربیت شاگردان و نیروی انسانی زبده و آشنا با مبانی اسلام و احکام شریعت بود. در میان آنان، شاگردانی بودند که جزء خواص امام (ع) محسوب می‌شدند، مانند یحیی بن ام الطویل، سعید بن جبیر، سعید بن مسیب و ابو خالد کابلی و برخی افراد دیگر. بسیاری از روایاتی که امام (ع) نمی‌توانست در مسجد یا در جلسات عمومی بیان کند برای آنان می‌فرمود و از این طریق معارف زلال و حقیقی اسلام را به آنها می‌گفت و آنان نیز در موقعیت‌های گوناگون در دوران حیات امام (ع) و پس از شهادت ایشان به نشر این معارف می‌پرداختند (ابن‌قتیبه، ۱۳۷۱: ۱۲۰). این روش مبارزاتی با پدیده جعل حدیث، مخصوصاً با توجه به اختناق شدید حاکم بر دوران امام (ع) و تقیه‌ای بودن بسیاری از فعالیت‌های ایشان و پیروان اهل بیت (ع)، اهمیت خاصی داشت.

امام (ع) به تربیت انسان‌هایی همت گمارد که بتوانند با روشنگری و توضیح معارف الهی مسیر اسلام راستین و تشیع علوی را استمرار بخشند. حضرت در مدت ۳۴ سال امامت خود، افراد بسیاری را تربیت کردند و برای تداوم مکتب اسلام ناب محمدی، توانستند آنان را از هر جهت آماده کنند، به گونه‌ای که برخی از آنان از بزرگان و سرآمدان دانشمندان اسلامی شدند (ادیب، ۱۳۷۷: ۲۵۷). برخی از این افراد عبارت‌اند از: جبیر بن مطعم، یحیی بن ام طویل، ابو خالد کابلی و سعید بن مسیب، جابر بن عبدالله انصاری و ... شیخ طوسی در رجال خود تعداد اصحاب و شاگردان حضرت سجاد (ع) را بیش از ۱۷۰ نفر می‌داند (طوسی، ۱۴۱۳: ۸۱-۱۰۲).

۳. ۵. تبیین جایگاه اهل بیت (ع) و ویژگی‌های آنها برای مردم

یکی دیگر از آثار مخرب پدیده جعل حدیث، نشر و گسترش روایات فضایل خلفا و مذمت اهل بیت (ع) بود. در واقع، می‌توان گفت یکی از بسترهای اصلی برای پدیده جعل حدیث در سده اول، حوزه روایات فضایل و مطاعن است. برای نمونه، معاویه برای تخریب شخصیت علی (ع) دستور می‌داد هر گونه فضیلتی را که برای ایشان

هست، نظیرش را هم برای او یا به نفع او جعل کنند (عسکری، ۱۳۶۵: ۴۴۰/۱). به سبب بدگویی‌ها و مذمت‌هایی که از ناحیه خلفا بر امامان روا داشته می‌شد، شخصیت اهل بیت (ص) برای مردم مبهم مانده بود و بسیاری از مردم از شخصیت حقیقی اهل بیت (ع) آگاهی نداشتند.

در چنین فضایی حضرت سجاد (ع) در موقعیت‌های گوناگون، به شناساندن جانشینان و اهل بیت پیامبر (ص) اقدام می‌کردند؛ برای نمونه وقتی اسیران اهل بیت (ع) وارد شام شدند، مردی جلوی امام (ع) ایستاد و گفت: «سپاس خدایی که شما را کشت و مردمان را از شرّتان آسوده کرد و امیرالمؤمنین را بر شما پیروز گردانید». امام علی بن الحسین (ع) خاموش ماند تا آن مرد شامی آنچه در دل داشت، بر زبان آورد. آنگاه از او پرسید: «قرآن خوانده‌ای؟». گفت: «آری». سپس فرمود: «آیا آیه قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (الشوری: ۲۳) را خوانده‌ای؟». گفت: «آری». سپس فرمود: «آیا آیه وَآتَ ذَاقُ الْقُرْبَى حَقَّهُ (الاسراء: ۲۶) را خوانده‌ای؟». گفت: «آری» و در پایان از آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (الاحزاب: ۳۳) پرسید. آن مرد باز پاسخ مثبت داد. امام (ع) سپس رو به مرد کرد و فرمود: «ای پیرمرد! این آیه‌ها در حق ما نازل شده است، ماییم ذوی‌القربای پیامبر (ص)، ماییم اهل بیت پاکیزه از هر گونه آلاش». پیرمرد و اطرافیان که سخنان امام (ع) را می‌شنیدند دانستند که آنچه درباره اسیران به آنان گفته شده حقیقت ندارد و آنان خارجی نیستند؛ بلکه فرزندان پیغمبرند و از کردار خود پشیمان می‌شدند و طلب توبه می‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۵۶/۴۵).

در شام نیز که مردم شناختی از اهل بیت (ع) نداشتند، به اسرای کربلا جسارت‌های بسیار می‌شد. ایشان با سخنان افشاگرانه خود در جمع مردم و کاخ یزید، اهل بیت عصمت و طهارت را معرفی کردند. امام (ع) در لباس اسارت، همان جهاد عظیمی را انجام داد که حسین بن علی (ع) در کربلا با خون و شهادت انجام داده بود. او با ایراد خطبه، تحولی بزرگ در امپراتوری شام و در بین مردم آن ایجاد کرد (همان: ۱۳۸).

پس از اسارت و در مدینه نیز امام سجاد (ع) در قالب دعا جایگاه و شأن اهل بیت پیامبر (ص) را تبیین کردند. عبارت «صلوات بر محمد و آل محمد» که در آغاز بسیاری

از دعا‌های حضرت بود، و بهره‌گیری از تعبیری همچون «آله الطیبین الطاهرین الاخیار الانجبین» پس از صلوات و نام پیامبر اکرم (ص) در حقیقت روشی بود برای مقابله با سیاست لعن بر علی ابن ابی طالب (ع) که از زمان معاویه در شام شروع شده بود (پیشوایی، ۱۳۸۹: ۱۲۵). سیاست لعن بر امام (ع) به گونه‌ای بود که حتی در مساجد پس از نمازهای یومیه، امام جماعت مساجد و مردم، امام علی (ع) را لعن می‌کردند. در چنین فضایی جامعه رو به زوال گذاشته بود و خاندان اهل بیت (ع) و پیروان آنها در نهایت سختی و فشار روزگار می‌گذرانند و به آنها بی‌توجهی و بی‌مهری می‌شد. بر منبرها آنان را لعن می‌کردند و حکام بنی‌امیه را ستایش (الحموی، ۱۴۰۹: ۱۹۲/۳).

مطرح کردن معارف و جایگاه اهل بیت (ع) در قالب دعا و صلوات، گوشه‌ای از بُعد اجتماعی سیاسی صحیفه سجادیه است (محدثی، ۱۳۷۹: ۹۰). برای نمونه در قسمتی از دعای ۴۷ صحیفه سجادیه آمده است:

پروردگارا! بر پاکیزه‌ترین افراد خاندان پیامبر درود فرست که آنان را برای اجرای اوامر خود برگزیده‌ای و خزانه علم و نگه‌دارنده دین و جانشین در زمین و حجت خویش بر بندگان قرار دادی و به خواست و اراده‌ات آنان را از هر پلیدی و ناپاکی پاک ساختی و وسیله ارتباط با خود و راه بهشت خویش کردی ... خدایا! تو دین خود را در هر زمان و روزگاری به وسیله پیشوایی کمک فرموده‌ای که او را راهنمای بندگان و مشعل هدایت در شهرها قرار داده‌ای؛ پس از آنکه او را با وسیله ارتباط غیبی، به خود ارتباط دادی و او را سبب خوشنودی خویش کردی و فرمانبری از او را واجب نمودی و از نافرمانی او بیم دادی و به فرمانبری فرمان‌هایش و پذیرش نهی او دستور دادی و فرمودی که هیچ کس از او پیشی نگیرد و هیچ فرد از پیروی او پس نماند (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۵، دعای ۴۷).

دقت در این عبارات نشان می‌دهد که امام (ع) در همه موقعیت‌ها و مخصوصاً در دورانی که شدیدترین دشمنی‌ها و مواجهه‌ها با آل محمد (ص) انجام می‌گرفت به معرفی آنان می‌پرداخت و غبار جهل و نادانی را از چهره مردم می‌زدود و مردم را با جایگاه و نقش اهل بیت (ع) در هدایت جامعه آشنا می‌کرد (قائم، ۱۳۶۶: ۸۹).

۳.۶. مقابله با انحرافات اعتقادی ناشی از روایات جعلی و افشای ماهیت جریان‌های انحرافی

پس از رحلت رسول خدا (ص)، اندیشه‌ها و افکار گوناگونی در حوزه فرهنگ اسلامی شکل گرفت. هر مذهب و گروهی خود را حق می‌دانست و سایر آرا و مذاهب را باطل می‌خواند. صاحبان این آرا و مذاهب برای مشروعیت‌بخشی به دیدگاه‌های خود و استوارسازی آن، علاوه بر تأویل ناروا از آیات قرآن، به جعل حدیث دست می‌زدند که رنج و هزینه کمتری داشت (امینی، ۱۳۶۶: ۲۷۷/۵؛ رفیعی، ۱۳۸۹: ۱۶۹). صبحی صالح می‌گوید: «از مهم‌ترین انگیزه‌های جعل حدیث از همان آغاز، نصرت مذاهب به وسیله طرفداران هر کدام از فرقه‌ها بوده است» (صبحی، ۱۳۶۳: ۲۸۶). پیدایش مذاهب و نحله‌های گوناگون در عرصه‌های کلامی، فقهی و تفسیری از بدترین پیامدهای منع نقل و تدوین سنت پیامبر اکرم (ص) بود (ابن‌سعد، ۱۳۸۸: ۲۰۶/۳). ناآگاهی از سنت حقیقی پیامبر اکرم (ص) و تأویل‌های نابجای آیات قرآن میدان را برای انواع انحرافات در اصول و پایه‌های اعتقادی باز کرد و فرقه‌های گوناگون مانند اصحاب قیس، قدریه، مرجئه، خوارج، غلات، مشبهه، کیسانیه، مجسمه و ... به وجود آمدند و چنان فضای تیره و تاری به وجود آمد که حتی در اصل رهبری و جانشینی رسول (ص) تردید و انحراف ایجاد کردند (امین، ۱۴۰۴: ۳۸۶/۱).

امام سجاد (ع) در مقابل این انحرافات سکوت اختیار نکرد و با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر جامعه، علیه این انحرافات مبارزه کرد. امام (ع) در سراسر فعالیت‌های مبارزاتی خود و به‌ویژه در دعا‌های صحیفه سجاده علیه انحرافات عقیدتی، به پا خاسته و با محور قراردادن توحید در همه ابعاد زندگی، هدف نهایی تربیت انسان را توحید، قرب الاهی و رضایت خدای متعال می‌داند. ایشان در تمام ادعیه، مخاطب را با زبان دعا و مناجات به آن حقیقت یکتا راهنمایی می‌کند و با محور قراردادن خدا در همه امور، این حقیقت را روشن می‌کند که محور زندگی انسان در تمام شئون آن، باید اعتقاد به وحدانیت خدا و توجه به ربوبیت او و استمرار آن در مسیر زندگی باشد؛ بدین معنا که اصلی‌ترین اشکال در اندیشه‌های فرّاق انحرافی دوربودن از توحید و تأویل آیات و روایات متناسب با دیدگاه‌های فرقه‌ای است. بنابراین، ایشان از این طریق نحله‌های عقیدتی و فرقه‌های مختلفی را

نقد می‌کند که بسیاری از اندیشه‌ها و مبانی آنان بر اساس روایات جعلی یا تأویلات ناروای آیات و روایات است.

برای نمونه یکی از این انحرافات اعتقادی، پیدایش «جریان غلو» بود. علی‌رغم اختلافات جزئی، تفکر عمومی این جریان آن است که آنان امامان (ع) را از شأن بندگی خداوند بالاتر برده و به الوهیت آنها معتقد شده‌اند (ذهبی، ۱۴۰۹: ۹۰/۳). مستند آنان نیز عموماً روایات ساختگی است که غالباً خود غالیان برباخته‌اند. برای نمونه، در تفسیر آیه «وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ» (النجم: ۱) گفته شده که مقصود سقوط ستاره در خانه امام علی (ع) است و این دلیل بر امامت ایشان است (ابن‌المغازلی، ۱۴۲۴: ۲۶۶؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۴۵/۲)، این در حالی است که در سند این حدیث عمرو بن شمر است که رجالیان او را تضعیف کرده و در زمره غالیان دانسته‌اند (خوئی، ۱۴۰۳: ۱۰۶/۱۳). از نظر دلالتی و متنی نیز حدیث اشکالات جدی دارد. شوشتری در این باره نوشته است: «کوچک‌ترین ستاره‌ها از زمین بزرگ‌تر است. چگونه می‌توان پذیرفت خانه علی توانسته باشد ستاره‌ای را در خود جای دهد که زمین گنجایش آن را ندارد؟». وی سپس می‌افزاید: «مراد از آیه، سوگند به پیامبر (ص) است وقتی از دنیا رفت یا به معراج مشرف گردید» (شوشتری، ۱۳۹۰: ۲۱۶-۲۱۷). از نظر امام سجاد (ع)، تفکر غلو، تفکری انحرافی محسوب شده و شیعه غالی در زمره شیعیان نیستند. امام (ع) در این باره در حدیثی می‌فرمایند: «گروهی از پیروان ما چنان در دوستی ما مبالغه می‌کنند که هر آنچه را یهودیان به عزیر و مسیحیان به حضرت عیسی نسبت دادند آنها نیز به ما نسبت می‌دهند». سپس فرمودند که: «نه آنان از ما هستند و نه ما از آنانیم» (طوسی، ۱۴۱۳: ۳۵۸/۱).

بر اساس حدیثی دیگر، جمعی از مردم به خانه امام سجاد (ع) آمدند و در ستایش امام (ع) مبالغه و زیاده‌روی کردند. امام (ع) آنان را سرزنش کرد که چرا وی را بیش از حد طبیعی بالا می‌برند، همین که او را جزء صالحان بدانند برای ایشان کافی است (ابن‌سعد، ۱۳۸۸: ۱۶۵/۵). در جایی دیگر، به برخی از شیعیان عراق چنین خطاب کردند: «أَحِبُّونَا حُبَّ الْإِسْلَامِ وَلَا تَرْفَعُونَا فَوْقَ حَدِّنَا» (اصفهانی، ۱۳۷۸: ۱۳۶/۳). همان‌گونه که مشاهده می‌شود این روایت در مقابل اندیشه غلوآمیز غالیان است.

نمونه دیگر را در اندیشه‌های انحرافی فرقه مرجئه می‌توان سراغ گرفت. یکی از اعتقادات این فرقه آن است که از نظر آنها هیچ مسلمانی با ارتکاب به گناه، ایمان خود

را از دست نمی‌دهد و معصیت به ایمان آنان ضرر نمی‌رساند (شیخانی، ۱۳۸۵: ۶۳-۶۵). از نظر آنان، حتی قتل نفس محترمه، زنا، سرقت، آتش‌زدن قرآن، و دیگر گناهان کبیره، مؤمن را از ایمان به وحدانیت خدا و حتی از بهشت منع نمی‌کند (حلبی، ۱۳۷۶: ۱۰۴). مکتب اعتقادی مُرجئه برای امویان، که از ارتکاب گناهان بزرگ در نهان و آشکار پروایی نداشتند، پناهگاه و مأوای خوبی بود. این عقاید و بسیاری دیگر از عقاید مرجئه ناشی از روایات جعلی، ضعیف و گاه برداشت نادرست از روایات است. ابن جوزی در *الموضوعات* بابی را گشوده و پنج حدیث جعلی را تحت عنوان «باب فی أن الایمان لا یزید و لا ینقص» آورده است. برای نمونه نقل کرده که مرجئه گفته‌اند پیامبر فرمود: «الایمان لا یزید و لا ینقص»؛ این در حالی است که در حدیثی صحیح که از رسول اکرم (ص) نقل شده است ایشان فرموده‌اند: «الایمان قولٌ و عملٌ، یزید و ینقص، و من قال غیر ذلک فهو مبتدع» (ابن جوزی، ۱۴۱۸: ۱۹۲/۱). بنابراین، مطابق دیدگاه صحیح، ایمان مراتب دارد و قابل نقصان و فزونی است. از طرف دیگر، سخنانی نیز در ذم مرجئه جعل و وضع شده است، مانند این حدیث که به رسول خدا (ص) نسبت داده شده است: «إن لكل أمة یهوداً و یهود أمتی المرجئة» (همان: ۴۵۴). به هر حال، انشعاب‌های کلامی یکی از عوامل جعل حدیث بود که هر کدام برای مشروعیت عقاید خود و رد دیدگاه‌های دیگران روایتی را جعل کرده‌اند.

امام سجاد (ع) با اندیشه مرجئه که به دنبال اباحی‌گری بودند و ایمان را به اعتقاد قلبی و زبانی منحصر می‌دانستند به شدت مبارزه کرد. تبلور روشن مبارزه با این تفکر در سیره عبادی آن حضرت (ع) روی آوردن به عبادت و پرستش خدا در مقام عمل بود که گاهی در شبانه‌روز بیش از هزار رکعت نماز می‌خواند و نشان داد که اطاعت از دستورهای الهی و پرستش حق، فقط به اعتراف زبانی نیست، بلکه باید در رفتار نیز جلوه‌گر باشد (رافعی قزوینی، ۱۹۸۷: ۱۱۰/۲). به هر حال، امام (ع) با هوشیاری کامل، با جعل حدیث و نتایج آن در همه اشکالش به جد مقابله می‌کرد.

۳. ۷. افشای ماهیت عالمان درباری و آشکارسازی جعلیات آنان

حاکمان ستمگر اموی برای آنکه بتوانند بر مسلمانان حکومت کنند، چاره‌ای جز جلب اعتماد عمومی نداشتند. از این‌رو می‌کوشیدند حکومت خود را نزد

مردم مشروع جلوه دهند؛ چراکه اگر مردم ناشایستگی حاکمان بنی‌امیه را می‌فهمیدند ممکن بود در برابر حکومت موضع بگیرند و با آنان مخالفت کنند. یکی از اقدامات حاکمان برای مشروع جلوه‌دادن خلافتشان، جذب کردن دانشمندان حدیث‌شناس و عالمان به دربار حکومت بود تا از این طریق قادر باشند روایاتی را از طریق آنان به نفع خلفا جعل کنند و در نتیجه زمینه فکری پذیرش حکومت آنان را در میان عموم مردم هموار سازند. از جمله این دانشمندان محمد بن مسلم زهري بود که خود را به طور کامل در اختیار حکومت اموی قرار داده بود و به نفع آنان کتاب می‌نوشت و حدیث جعل می‌کرد (یعقوبی، ۱۳۷۳: ۲۶۱/۲). ابن‌ابی‌الحدید او را یکی از مخالفان امام علی (ع) می‌شمارد و می‌نویسد: «روزی علی بن حسین شنید که زهري و عروة بن زبیر در مسجد پیامبر نشسته‌اند و درباره علی (ع) بدگویی می‌کنند. علی بن حسین به مسجد رفت و بالای سر آنان ایستاد و آن دو را سخت توبیخ کرد» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۷: ۱۰۲/۴). زهري احادیثی به نفع بنی‌امیه و در جهت توجیه سیاست کفرآمیز آنان، بر ضد خاندان هاشمی جعل کرده است (نیشابوری، ۱۴۱۴: ۱۲۶/۴؛ ابن‌ابی‌داود، بی‌تا: ۲۱۶؛ نسائی، بی‌تا: ۳۸/۲). با توجه به سوابق سیاه زهري، امام سجاد (ع) نامه تند و کوبنده و در عین حال خیرخواهانه و نصیحت‌آمیزی به وی نوشت (حرانی، ۱۳۹۸: ۲۷۴). حسن بصری نیز از دیگر دانشمندان قرن اول هجری است، که دستگاه حکومت بنی‌امیه از چهره مذهبی او برای توجیه خیانت خود فراوان استفاده می‌کرد (طبرسی، ۱۴۱۶: ۲۵۱/۱). امام (ع) با ایشان نیز مناظراتی داشتند تا چهره واقعی وی را به جامعه بشناسانند.

یکی دیگر از روش‌های مبارزاتی امام (ع) با جعلیات فقها، قضات و عالمان درباری این بود که به صورت حضوری یا در قالب نامه، فقها و محدثان و قضات درباری را وعظ می‌کردند و پند می‌دادند و آنان را به پیروی از حق دعوت می‌کردند، و با این شیوه حکیمانه تفکرات اصیل اسلامی را به آنان منتقل می‌کردند و در عین حال حساسیت حکومت را برنمی‌انگیختند. در نتیجه، آن حضرت می‌توانستند در فضایی مناسب، اهداف و آرمان‌های والای خود را در جهت مبارزه با جعلیات آنها عملی کنند (صادقی و تقوی، ۱۳۸۱: ۲۳، به نقل از: حرانی، ۱۳۹۸: ۲۷۶).

۳. ۸. مبارزه با اسرائیلیات و قصه‌سرایی و آثار آنها

مقصود از اسرائیلیات تمام روایاتی است که از طریق اهل کتاب، به‌ویژه یهود، وارد فرهنگ اسلامی شده است. از مهم‌ترین شخصیت‌های گسترش‌دهنده اسرائیلیات کعب‌الاحبار، تمیم داری، عبدالله بن سلام، وهب بن منبه، و ابوهریره است. روایات اسرائیلی غالباً درباره قصص قرآن و جزئیات داستان‌های انبیا، آفرینش انسان و گاهی درباره فضیلت شهرها است؛ مانند روایتی که از کعب‌الاحبار نقل شده که گفته است: «پنج شهر از شهرهای بهشت است: بیت المقدس، حمص، دمشق، جبرین و ظفار الیمن که از شهرهای یمن و محل سکونت قبلی کعب‌الاحبار است» (ابن‌عساکر، ۱۴۱۹: ۲۱۱).

گسترش فتوحات اسلامی و افزایش تازه‌مسلمانان یهودی‌مسیحی خود عاملی بود که امام سجاد (ع) با این گونه از روایات نیز مبارزه کند. امام (ع) از طرق متعددی با این گونه روایی مقابله می‌کرد. گاه، ضمن دعا، به ابطال جعلیات و خرافه‌های اهل کتاب می‌پرداخت (حیدری، ۱۳۸۷: ۱۸۶). برای نمونه درباره نفی تشبیه و تجسیم خداوند نقل شده است که امام (ع) در مسجد رسول خدا (ص) در مدینه نشسته بود. در این هنگام متوجه شد گروهی در بحث اعتقادی، ضمن استناد به برخی اسرائیلیات خدا را به خلق او تشبیه می‌کنند. امام (ع) از این سخنان برآشفته و از جای خود برخاست و کنار قبر رسول خدا (ص) رفت و دعاهایی را خواند که مضمون آن، نفی عقیده تشبیه بود؛ از جمله این بخش را که: «معبود من! قدرت تو آشکار است، لکن تو هرگز هویدا نخواهی شد. پس نشناختند تو را. چراکه تو را با مقادیری که لایق مقام تو نیست اندازه‌گیری کردند و برای تو تشبیه قرار دادند، و من ای معبودم بیزارم از کسی که با تشبیه تو را می‌جوید» (اربلی، ۱۳۸۱: ۸۹/۲). همین‌گونه بود مواجهه امام (ع) با قُصاص که حتی در کنار خانه خدا قصه‌سرایی می‌کردند و با استفاده از جعلیات، مشغول بازارگرایی بودند (ابن‌خلکان، بی‌تا: ۷۰/۲).

نتیجه

حدیث پس از زمان پیامبر اکرم (ص) در معرض آسیب‌هایی همچون جعل، وضع و تحریف و نقل به معنای نادرست قرار داشته و احادیث صحیح و ناصحیح فراوانی با یکدیگر مخلوط شده است. عالمان اسلامی، به‌ویژه پیشوایان معصوم (ع)، برای مقابله

با پدیده جعل و مواجهه با جاعلان، متناسب با وضعیت زمانی و مکانی خود از شیوه‌های مختلف استفاده می‌کردند. در این میان، امام سجاد (ع) پس از واقعه عاشورا در اوضاع و احوالی به امامت رسیدند که اختناق و فشار سیاسی بر جامعه مسلمانان، خصوصاً شیعیان، حاکم بود. در این دوران، جعل حدیث به دست گروه‌های مختلف و با انگیزه‌های گوناگون فراوان شده بود. برخی از آنها عبارت‌اند از: عداوت و دشمنی معاویه، اُمویان، زبیریان و مروانیان با اهل بیت، جعل حدیث به دست علمای درباری به نفع خلفا، جعل حدیث به دست طرفداران اندیشه‌های کلامی برای توجیه عقاید خود و مشروعیت‌بخشی به آن، جعل حدیث به نفع یا علیه برخی اشخاص مانند فعالیت‌های غالیان، تلاش قُصاص برای ساختن قصه‌های ساختگی برای کسب منافع مادی و

امام (ع) در چنین فضایی با روش‌های گوناگون با پدیده جعل حدیث مقابله کردند. مهم‌ترین این روش‌ها عبارت‌اند از: شناساندن اسلام راستین در پرتو آشکارسازی جعلیات؛ شناساندن شخصیت واقعی رسول خدا و احیای سنت او (ص)؛ تبیین جایگاه و نقش امر به معروف و نهی از منکر در جامعه؛ تربیت شاگردان و نخبگان و شرکت آنان در مناظرات علمی و کلامی برای شناساندن اسلام راستین؛ تبیین جایگاه اهل بیت (ع) و ویژگی‌های آنها برای مردم؛ مقابله با انحرافات اعتقادی ناشی از روایات جعلی و افشای ماهیت جریان‌های انحرافی و آشکارسازی جعلیات آنها؛ افشای ماهیت عالمان درباری و آشکارسازی جعلیات آنان؛ مبارزه با اسرائیلیات و قصه‌سرایی و آثار نامطلوب آنها.

پی‌نوشت‌ها

۱. از جمله: کوثری، عباس، «پرتوی از مبارزات امام سجاد (ع)»؛ رنجبر، محسن، «مواضع امام سجاد (ع) پس از واقعه کربلا»؛ رنجبر، محسن، «امام سجاد (ع) و دفاع فرهنگی»؛ معینی‌پور، مسعود و موسوی، سید محمد مهدی، «سبک آموزش دینی امام سجاد (ع)»؛ کشوری، محسن، «وضعیت سیاسی فرهنگی تشیع در عصر امام سجاد (ع)»؛ حدادی، ۱۳۹۴، «روش‌های امام سجاد (ع) در بهره‌گیری از دعا در مواجهه با انحرافات اجتماعی».

۲. «غلو» در لغت به معنای افراط و زیاده‌روی است و در اصطلاح «غالی» به کسی گفته می‌شود که در حقّ برخی انبیا یا ائمه (ع) یا دیگر رجال‌الاهی راه افراط در پیش گرفته و برای آنها مقامی فوق انسانی قائل‌اند (شهرستانی، ۱۴۲۰: ۱۴۹/۱).

۳. «جبر» در لغت یعنی انجام‌دادن فعلی برخلاف قصد و اختیار انسان و در اصطلاح جبریه طرفدار

- گرایشی اعتقادی هستند که افعال انسانی را مخلوق خدا می‌دانند و اختیار انسان را نفی می‌کنند (ابن حزم، ۱۴۰۲: ۳۵/۳).
۴. تشبیه یعنی خداوند شبیه مخلوقات تصور شود و تجسیم یعنی خداوند مانند موجودات جسم دارد و قابل دیدن است (سبحانی، ۱۳۷۸: ۶۹/۱).
۵. «ارجاء» یا از ماده «رجاء» است، یعنی امید ثواب از خداوند برای گناهکاران؛ یا از ماده «ارجاء» و به معنای به تأخیر انداختن است. زیرا آنها حکم مرتکبان گناه کبیره را به آخرت موکول می‌کردند (سبحانی، ۱۳۷۸: ۷۵/۱).

منابع

قرآن کریم.

- صحیفه سجادیه (۱۳۷۵). ترجمه: سید علی نقی فیض الاسلام، تهران: نشر فقیه.
- ابن ابی الحدید (۱۳۸۷). شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بی‌جا: دار احیاء الکتب العربیة.
- ابن ابی داود، سلیمان بن عبداللّه (بی‌تا). سنن ابی داود، تصحیح و تعلیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن اثیر، علی بن ابی الکرّم (۱۴۱۴). الکامل فی التاریخ، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن المغازلی، علی بن محمد (۱۴۲۴). مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، المحقق: أبو عبدالرحمن ترکی، بی‌جا: دار الآثار صنعاء.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۷). اعتقادات شیخ صدوق، ترجمه: محمد علی بن محمد حسنی، تهران: علمیه اسلامیة.
- ابن جوزی، عبدالرحمان (۱۴۱۸). الموضوعات من الاحادیث المرفوعات، ریاض: مکتبة اضواء السلف.
- ابن خلکان، احمد بن محمد (بی‌تا). وفيات الاعیان، تحقیق: احسان عباس، بیروت: دار صادر.
- ابن سعد، محمد (۱۳۸۸). الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر.
- ابن عبدالبر، یوسف (۱۴۲۴). الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، بیروت: دار الجیل.
- ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۹). تاریخ مدینة دمشق، بیروت: دار الفکر.
- ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۰۸). البدایة والنهاية، تحقیق: علی شیر، بی‌جا: دار احیاء التراث العربی.
- ابن حزم، علی (۱۴۰۲). الفصل فی الملل والأهواء والنحل، به کوشش: محمد ابراهیم نصر و عبدالرحمان عمیره، بیروت: دار الجیل.
- ابوری، محمود (۱۹۸۰). اضواء علی السنة المحمدية، قاهره: نشر البطحاء.
- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبداللّه (۱۳۷۸). حلیة الاولیاء، بیروت: دار الکتب العربی.
- ادیب، عادل (۱۳۷۷). زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، ترجمه: اسدالله مبشری، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.

- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). *کشف الغمّة فی معرفة الأئمة*، تبریز: مکتبه بنی هاشمی.
- اصفهان، علی بن حسین (۱۴۱۵). *الأغانی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- امین، احمد (۱۴۲۵). *ضحی الاسلام*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۶۶). *الغدير فی الكتاب والسنة والاداب*، تهران: دار الكتاب الاسلامی.
- بحرانی، سید هاشم (۱۳۸۹). *البرهان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: عبدالله صالحی نجف آبادی، قم: ذوی القربی.
- بستانی، قاسم (۱۳۸۶). *معیارهای شناخت احادیث ساختگی*، اهواز: نشر رسش.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۸۹). *سیره پیشوایان*، قم: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- جعفری، سید محمد (۱۳۸۶). *تشیع در مسیر تاریخ*، ترجمه: محمدتقی آیت‌اللّهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفریان، رسول (۱۳۶۹). *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع)*، قم: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- جوشقانی، فرح (۱۳۸۹). *احادیث جعلی، مشهد: آفتاب توس*.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). *الصّحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، تحقیق: احمد بن عبدالغفور، بیروت: دار العلم للملین.
- حرانی، حسن (۱۳۹۸). *تحف العقول تصحیح: علی اکبر الغفاری*، تهران: کتاب فروشی اسلامیّه.
- حسینی، علی اکبر (۱۳۸۰). «امام سجاد (ع) در عصر شبگون و ظلمانی»، در: *درس‌هایی از مکتب اسلام*، ش ۱۰، ص ۳۴-۴۰.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۶). *تاریخ علم کلام در ایران و جهان اسلام*، تهران: اساطیر.
- الحموی، یاقوت بن عبدالله (۱۴۰۹). *معجم البلدان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حیدری، محمود؛ و همکاران (۱۳۸۷). *تاریخ تشیع (۱)*، تهران: انتشارات سمت، چاپ پنجم.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۳۸۵). *تاریخ بغداد*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۳). *معجم رجال الحديث*، بیروت: مدینه العلم، الطبعة الثانية.
- دینوری، عبدالله بن مسلم (۱۳۷۱). *الامامة والسياسة*، تحقیق: علی شیر، قم: منشورات شریف رضی.
- ذهبی، محمد بن أحمد (۱۳۸۲). *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر.
- ذهبی، محمدحسین (۱۴۰۹). *التفسیر والمفسرون*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- رافعی قزوینی، عبدالکریم (۱۹۸۷). *التدوین فی اخبار قزوین*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- رفیعی، ناصر (۱۳۸۹). «عوامل و انگیزه‌های دروغ‌پردازی حدیث»، در: *مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء (ع)*، ش ۴۱، ص ۱۶۹-۲۰۲.
- رنجبر، محسن (۱۳۸۶). *نقش امام سجاد (ع) در رهبری شیعه*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- سبحانی، جعفر (۱۳۷۸). فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، قم: نشر توحید.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۰). دراسات و بحوث فی تاریخ الاسلام، تهران: مؤسسه نشر اسلامی.
- سیوطی، عبدالرحمن (۱۳۷۰). تاریخ الخلفاء، تحقیق: محمد محیی‌الدین عبدالحمید، قم: منشورات شریف رضی.
- شریف قرشی، باقر (۱۳۸۷). حیات الامام زین العابدین علیه السلام، قم: مهر دلدار.
- شوشتری، محمدتقی (۱۳۹۰). الاخبار الدخیلة، علق علیه: علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۴۲۰). الملل والنحل، بیروت: دار المعرفة.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۶۸). زندگانی علی بن الحسین (ع)، تهران: امیرکبیر.
- شیخانی، علی باقر (۱۳۸۵). امام سجاد (ع) از دیدگاه اهل سنت، بی‌جا: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- صادقی، حسین؛ تقوی، علی (۱۳۸۱). «شمه‌ای از فضایل و مناقب امام سجاد (ع)»، در: مبلغان، ش ۳۴، ص ۱۴-۲۹.
- صبحی، صالح (۱۳۶۳). علوم الحدیث و مصطلحه، قم: منشورات رضی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۷). الخصال، قم: مکتبه النجفی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۷). اعتقادات شیخ صدوق، ترجمه: محمد علی بن محمد حسینی، تهران: علمیه اسلامیة.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۶). مجمع البیان لعلوم القرآن، به تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۴۸). اختیار المعرفة الرجال، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۲). اختیار معرفة الرجال، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۳). الرجال، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- عسکری، سید مرتضی (۱۳۶۵). نقش ائمه در احیای دین، تهران: مجمع علمی اسلامی.
- قائمی، علی (۱۳۶۶). در مکتب پیشوای ساجدان حضرت امام علی بن الحسین (ع)، بی‌جا: پیام مقدس.
- کاظمی تستری، اسدالله بن اسماعیل (۱۳۸۳). کشف القناع، تهران: انتشارات الاسلامیه.
- کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳). رجال کشی، مصحح: مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). ایمان و کفر، ترجمه: عبدالعزیز عطاردی، تهران: عطارد.
- محدثی، جواد (۱۳۷۹). تاریخ سیاسی ائمه (ع)، تهران: پژوهشگاه دانش و اندیشه معاصر.
- مسعودی، علی بن الحسین (۱۳۷۳). مروج الذهب و معادن الجواهر، بیروت: دار الاندلس.
- معارف، مجید (۱۳۷۷). تاریخ عمومی حدیث، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.
- معروف الحسنی، هاشم (۱۳۸۹). زندگانی دوازده امام، ترجمه: محمد مقدسی، تهران: امیرکبیر، چاپ ششم.

مهدوی راد، محمدعلی (۱۳۸۶). «تدوین حدیث: منع تدوین حدیث، پیامدها و بازتاب‌ها»، در: علوم حدیث، ش ۹، ص ۹-۲۸.

نسائی، احمد بن علی (بی تا). سنن النسائی، شرح: جلال‌الدین سیوطی، حاشیه: امام سندى، بیروت: دار الكتاب العربی.

نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۶۹). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت (ع) لاحیاء التراث.

نیشابوری، مسلم بن الحجاج (۱۴۱۴). صحیح مسلم، بیروت: دار الفکر.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۳). تاریخ یعقوبی، قم: منشورات رضی.